



چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۹  
۲۵ ربیع الثانی ۱۴۴۲  
سال سی و سوم شماره ۹۳۸  
۱۱ نوامبر ۲۰۲۰  
ZENDREGI@GUDSONLINE.IR

## روزمره نگاری

### احتمال گریستن ما بسیار است

**رقیه توسلی:** چند قدم از گلخانه دور نشده‌ام که کسی سوت بلبلی می‌زند بیخ گوشم. «بگونیا» را سفت تر می‌چسبم و برمی‌گردم سمت سوت‌زن. میرغضب درونم بیدار شده است. یک‌نظر انداخته نینداخته به‌جا می‌آورمش. آخر او فرق دارد. برندها دستش را رو می‌کنند. توی طایف‌مان مگر چند خانوم به شیطنت او داریم؟ چند آشنا که با ماسک و عطر و روساچه، سر‌ظهر خودشان را برسانند آشنی‌خانه‌ایتالیایی.

سال‌هاست اسم مارک که می‌آید وسط -با اختلاف بالا- یاد او می‌افتیم. از اقوام درجه دو محسوب می‌شود و بارها همه جا قرار کرده اگر اتومبیل مرتفعش را از او جدا کنند، شکل بچه‌ها تب می‌کند.

تمام زورم را می‌زنم میرغضب را کنترل کنم و احوال‌پرسی ولرمی داشته باشم. اما او پشت بند چپ‌چپ‌هش اصرار دارد حالی‌ام کند دارد. از باشگاه تک‌نفره برمی‌گردد. می‌خواهد با هر ترفندی شده بفهمانم مری خصوصی خیلی ورزن به حساب می‌آید. این‌طور نیست دیگر. ناف بعضی‌ها را با کلاس و اطوار بریده‌اند.

می‌پرسم: کتی‌ها خوین؟ عاشقانه فدایشان می‌شود و دستم را می‌چسبند و می‌کشاند سمت چار چرخش. گریه‌های شمالو لمیدماند روی صندلی عقب.

تا به خودم بچنیم فرصت را غنیمت می‌بینم و آمار سسکه‌های ۸ میلیونی که به مشورت و کیش انبار کرده و سفر لاکچری پیش رویش را رو می‌کند. از مادرش می‌گوید که آیا می‌دانم رفته دبی نشین شده؟ از دندانپزشکش که برادر هنرپیشه سینماست. از دیزاین انتهایی صورتش که چرا وقتی فیلم جشن را فرستاده آن‌طور که باید تیریک‌بارانش نکرده. از گل‌دان بگونیا که باید حتماً یاسی باشد، نه هیچ رنگ دیگری. می‌خواهم هر چه زودتر برسم به پایان معاشرت خیابانی. گل‌دان سنگین نیست. فضای برقرار شده باز شکل همان‌وقت‌هاست که او می‌شود ناخدا، نه ناخدا جیمز کوک، ناخدایی که به مهارت هدایت کشتی را ندارد و تنها توانایی‌اش، بازی بازی با سکان است. می‌خواهم هرطور شده از کشتی بزنم بیرون که شیلدش را می‌دهد بالا و می‌پرسد: راستی! از کتابخانه‌ات چه خبر؟ کتاب متاب می‌خونی هنوز؟ آخه پدرجان، شهر کتاب مرکزی را چهار روز پیش معامله کرده. گفتم آگه مایل باشی بیای بیشتر در دل هم باشیم. چاره ای نیست. باز از میرغضب خواهش می‌کنم از خر شیطان پیاده شود و صبوری کند که صبوری پیش زین است. جواب می‌دهم: «پاییز ۳۲» آگه وقت کردی بخونش. کتاب همیشه گشایش داره. و به‌سریعت از پرسینگ ابروی مادام، گریه‌های پریشان و رخس ۲۰۲۰ رد می‌شوم و «بگونیا» به بغل می‌روم آن‌ور خیابان. صدایی پشت سرم اما کمانه می‌گیرد که ببخش، کتاب امانتیا رو پس میدم همین‌روز. وقت نکردم لایشان را باز کنم.

## باور می‌کنید؟

### دیدن هم مانند شنیدن است!

قائم مقام حوزه علمیه قم:

احتمال اینکه رهبری ازبیریو ماوراءالطبیعه خودبرای انتقام خود از سلیمان استفاده کرده و ترامپ را کتاکشیدبرپاداست. درخبرها آمده بودکه هزاران مرده هم رای داده اندحتما بیروی ماوراءالطبیعه خامه ای بودکه مرده هارگوربیون آمده و رای داده اند.

قائم مقام حوزه علمیه قم:

**احتمال اینکه رهبری از بیریو**

**ماوراءالطبیعه خود برای انتقام**

**خون سرد را سلیمانی ، استفاده**

**کرده و ترامپ را کتاکشید.**

**زیاد است . حتی ترامپ هم**

**از چرخش رای در لحظات آخر**

**متعجب شد .**

**فواد آگاه:** این درست که قدیمی‌ها گفته‌اند: «شنیدن، کی بود مانند دیدن» اما همان قدیمی‌ها هم اگر امروز بودند لابد اعتراف می‌کردند این روزها شنیدن و دیدن فرق دارد. یعنی روزگار، روزگاری است که به قول همان قدیمی‌ها آدم دیگر به چشمان خودش هم نباید اعتماد کند. حکایت فضای مجازی و اخبار و اسناد جعلی هر روز پیچیده‌تر از دیروز می‌شود و کماکان نه به گوش و نه چشمان نمی‌توانیم اعتماد کنیم. به قول «فارس پلاس» یکی از روش‌هایی که به‌تازگی توسط ضد انقلاب در فضای مجازی به کار گرفته می‌شود، نسبت دادن جملات عجیب و غریب به شخصیت‌های مهم و سرشناس است که روحشان هم خبر ندارد. چنین حرفی زدن‌ها نکته جدیدتر ماجرا این است که اخباری از این دست با لوگو و نشان خبرگزاری‌های معتبر و با مراکز و سازمان‌های مختلف منتشر می‌شود. تا مثلاً شما در صحت خبر شک نکنید، به‌تازگی برخی کاربران فضای مجازی به نقل از حجت‌الاسلام حمید ملکی، قائم مقام مدیر حوزه‌های علمیه سرپرست خاور و اریز شده! این هم در حالی بود که مدیر حوزه‌های علمیه روحش از ماجرای بی‌خبر بود. کمی پیشتر هم تصویری از آیت‌الله مجتهد شبستری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با لوگوی خبرگزاری تسنیم مبنی بر اینکه: «مردم می‌خواهند برای ماندگاری اسلام و تشیع اثر تختی در بیمارستان خالی بود یک روحانی بر آن تخت بستری گردد تا یک فرد عادی» منتشر شده بود که هم خبرگزاری تسنیم و هم آیت‌الله شبستری از چنین خبر و اظهار نظری بی‌خبر بودند. آیت‌الله محسن شبستری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو مجلس خبرگان رهبری همان موقع گفت: «بنده در این مورد نه تنها با تسنیم، بلکه با هیچ رسانه دیگری مصاحبه نداشته‌ام. ما مردم را ولی نعمت خود می‌دانیم و در شرایط فعلی نیز برای مبارزه با ویروس کرونا و سایر بحران‌ها، روحانیون همواره در کنار مردم هستند». خلاصه اینکه اوضاع جوروی است که اهالی فضای مجازی و رسانه‌ای، دیگر نباید به چشم و گوش خود و فیلم و صوت و... اعتماد داشته باشند. با امکاناتی که تولیدکنندگان اخبار فیک و جاعلان رسانه‌ای دارند، تنها راه باقیمانده این است که سواد رسانه‌ای خود را بالا ببریم و اخبار را هم در منابع خبری مورد اعتماد دنبال کنیم.

همه چیز درباره واکسن «فایزر»

# پایان کرونا در آغاز قرن جدید؟

**محمد تربت‌زاده:** پاییز امسال بدون شک یکی از سیاه‌ترین پاییزهایی بوده که خیلی‌هايمان به چشم دیدیم. روزانه بیش از ۴۰۰ نفر از هموطنان قربانی کرونا می‌شوند و هزاران نفر دیگر هم با شرایط سخت روی تخت‌های بیمارستانی با این ویروس مبارزه می‌کنند. خیلی از نزدیکانمان با وجود رعایت تمام پروتکل‌های بهداشتی باز هم به کرونا مبتلا شدند و حتی جانشان را از دست دادند تا یاد بگیریم این ویروس با کسی شوخی ندارد. دیگر نمی‌شود به طور دقیق گفت الان موج چندم کرونا را پشت سر می‌گذاریم اما هرچه هست خیلی‌هايمان فقط یک آرزو را در سر می‌پرورانیم و آن لذت احساس کردن سوزش واکسن کرونا روی پوستمان است. موضوعی که خیال می‌کردیم حالا حالاها میسر نمی‌شود اما از بعد از ظهر دوشنبه که خبر ساخت این واکسن در رسانه‌های دنیا منتشر شده، خیلی‌هايمان پس از یک دوره رخوت طولانی، دوباره جان گرفته‌ایم و انتظار اخبار تکمیلی درباره این اتفاق را می‌کشیم. هرچند بنا ندارم در این مطلب شیرینی ناشی از ساخت واکسن کرونا را برایتان تلخ کنم اما اقرار است با بررسی نظرات کارشناسان و متخصصان این حوزه، کمی واقع‌بینانه‌تر به موضوع نگاه کرده و به این پرسش پاسخ دهم که آیا الان زمان مناسبی برای هیجان‌زده شدن است یا نه؟

**در خوشبینانه‌ترین حالت**  
این درست که واکسن ساخته شده توسط شرکت فایزر توانسته بازارهای بورس جهانی، قیمت طلا و خلاصه تمام شاخص‌های اقتصادی را زیر و رو کند اما برخی از کارشناسان این حوزه معتقدند واکسن فایزر بیشتر از آنکه یک پروژه پزشکی باشد، یک پروژه تبلیغاتی و اقتصادی است. این دسته معتقدند فایزر برتری خاصی نسبت به سایر واکسن‌هایی که تا امروز ساخته شده‌اند، ندارد. نمونه‌اش واکسن ساخته شده توسط وزارت بهداشت روسیه که طبق اعلام ارشد شده توسط روس‌ها، دقیقاً ۹۰ درصد اثربخشی داشته است!

**تا آغاز قرن جدید خورشیدی**  
کمپانی دارویی BioNTech آلمان و شرکت داروسازی فایزر (Pfizer) آمریکا روز دوشنبه در خبری اعلام کردند نتایج اخیر آن‌ها از فاز سوم آزمایش‌های کلینیکالی برای تولید واکسنی در برابر ویروس عامل بیماری کووید ۱۹، امیدبخش بوده و واکسن کرونای این شرکت‌ها در بیش از ۹۰ درصد موارد از انتقال ویروس کرونا پیشگیری کرده است.

**آمریکایی‌ها دروغ می‌گویند؟**  
با وجود همه این فراز و نشیب‌ها، پرسش اصلی اینجاست ما چه چیزهایی را از جدیدترین واکسن ساخته شده برای مقابله با کرونا می‌دانیم؟ تمام اطلاعاتی که رسانه‌ها در حال حاضر در اختیار دارند، این است که فایزر در بیانیه‌ای که شرکت فایزر در وب‌سایتش منتشر کرده است، بیانیه‌ای که هیچ جوهره نمی‌شود روی راست و دروغش حساب کرد. چه بسا اصلاً این بیانیه یک بازی تبلیغاتی برای افزایش سهام این شرکت دارویی باشد! این احتمال بدبینانه را از این رو مطرح می‌کنم که هیچ سازمان معتبر بهداشتی، تاکنون دسترسی به نتایج آزمایش‌های ادعایی فایزر نداشته است. این را در نظر داشته باشید که آمریکایی‌ها، روس‌ها را به علت عدم انتشار نتایج محرمانه آزمایش‌های مرتبط با واکسن اسپوتنیک، متهم به دروغ‌گویی می‌کنند اما حالا خودشان حاضر نیستند به جز یک بیانیه اینترنتی، چیز دیگری را به سازمان‌های جهانی ارائه دهند!

**بدبینی را کنار بگذاریم**  
حالا اجازه دهید بدبینی را کنار بگذاریم و با فرض بر درست بودن همه اطلاعات منتشر شده در بیانیه فایزر، جدیدترین دستاورد پزشکی این شرکت داروسازی را بررسی کنیم. بر اساس گزارش فرارو، مرحله سوم آزمایش واکسن یعنی وقتی که یک واکسن در دنیای واقعی روی نمونه‌های انسانی آزمایش می‌شود. در شرکت بیوتک و فایزر ۴۳ هزار



# مصطفی علی‌پور در سالروز تولد پدر شعر نوفارسی مطرح کرد «نیما» و مسیری که برای شاعران پس از خود هموار کرد

سر نوشت نامعلوم پرورنده تبلیغات محیطی و حق پخش تلویزیونی

## رقم درشتی که در فوتبال گم شد!

پرورنده استراماچونی و پادوانی پنجره باز را می‌بندد

# آوار ۲ میلیون یورویی بر سر استقلال

وضعیت وخیم فینالیست آسیا

## پول قرض گرفتن برخی بازیکنان پرسپولیس از سرمربی!

## مجاز آباد

**کووید ۱۳**  
محسن تنابنده که قبلاً خبرش را شنیده‌اید به کرونا مبتلا شده بود این روزها در فضای مجازی پیدایش شده و کماکان دوست دارد مخاطبانش را بخنداند حتی وقتی قرار است درباره کرونا و خطراتش توصیه‌ای کند البته همین روحیه نشان می‌دهد او خطر را از سرگذراند است. تنابنده در صفحه شخصی‌اش نوشته: «ممنون از احوال‌پرسی و محبتتون... کووید ۱۹ نیست خیلی باشه کووید سیزدهم و ضعیف... ولی ابتلا و رفتن به بیمارستان باعث شد به چشم ببینم چه مرضی مهلک‌ه، التماس می‌کنم در منزل بمانید و اگر مجبور به بیرون رفتن هستید پروتکل‌ها رو رعایت کنید».

**نه چپم، نه راست**  
برویز برستویی با انتشار ویدیویی در صفحه شخصی‌اش، نوشته است: «هموطنان عزیز... اول بگویم بنده نه چپم، نه راست، وابسته به هیچ کس و هیچ جانیستم جز خدای بزرگ. امروز به این فیلم برخورد کردم، با دیدن آن، تمام ذهنیتی که در این چند روزه انتخابات آمریکا داشتم تحققی پیدا کرد. نه بودن ترامپ برای ملت ما خیری داشت و نه با آمدن بایدن آبی گرم خواهد شد. حکایت ضرب‌المثل «کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من» برابم ندای شد. امیدوارم پس از این شلوغی‌ها، جابه‌جایی‌ها و جاز و جنجال‌ها، دولت‌مردان ایران زمین برای این بحران‌هایی که در مملکتمان وجود دارد چاره‌ای بی‌بندیشند».

## مرز آزادی بیان کجاست؟

شاید در خبرها خوانده باشید پنجشنبه هفته پیش، پلیس فرانسه چهار کودک ۱۰ ساله را به بهانه ترویج تروریسم دستگیر کرده است. ظاهراً این دستگیری ساده هم نبوده و مأموران پلیس ویژه با صورت‌های پوشیده شده و سلاح وارد خانه کودکان شده و آن‌ها را بازداشت کرده‌اند. یک کاربر فضای مجازی در واکنش به این ماجرا در توییته نوشت: «مأموران نقابدار ریختن توی خونه، دختر ۱۰ ساله رو به اتهام تروریسم دستگیر کردن! مادر دختر گفته: دختر من گفته است از سر نوشت سلول‌های بی‌اعلمی که سر بریده شد! نا راحتم ولی بهتر بود یک کاتوره‌ها را نشان نمی‌داد. مرزهای آزادی بیان فرانسوی دقیقاً کجاست؟»

## رای مردگان

انتخابات آمریکا نشان داد در دموکراسی غربی، همه نوع رای وجود دارد. یعنی به جز رای اکثریت و این جور چیزها که خیلی‌ها آن را نخستین بار در فضای مجازی و در انتخابات آمریکا شنیدند، رای خارجی و رای اموات هم هست! یک کاربر فضای مجازی درباره رای‌دهی مردگان در ایالت پنسیلوانیا در توییته نوشت: «خب گویا ۲۱ هزار مرده توی ایالت پنسیلوانیا به باینن رای دادن... پسر ترامپ هم در واکنش به الیزابت هرینگتون، سخنگوی کمیته ملی حزب جمهوری خواه که در توییته مدعی شد تعدادی از آرای جو باینن از خارج از کشور وارد شده نوشت: این دیوانه‌کننده است...»









# هنر زیگر

## ادب و هنر

**چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۹**

۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ | ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰ | **سال سی و سوم** | **شماره ۹۳۸۸** |



توغیب ناشران

به چاپ مجموعه شعر برای واقعه تروریستی کابل

### جان پدر و جان برادر

نزدیک به ۳۰سال پیش، در اوایل دهه ۷۰ من به فکر ایسن افتادم که مجموعه‌ای از شعرهای شاعران ایران برای افغانستان را گردآوری کنم. فراخوانی هم آماده کردم و با دستگاہ زیراکس کپی کردم و به بعضی دوستان ادم. امکانات رسانه‌ای حالا که نبود. مدتی هم بگیر شدم، ولی حاصل کار چندان چشمگیر نبود و این طبیعی هم بود. هنوز جامعه ایران تصویر واضحی از کشور و مردم افغانستان نداشت و اگر هم داشت، تصویری کدر و مخدوش بود. حالا وقتی شعرهایی را که در ظرف یک هفته برای واقعه تروریستی دانشگاه کابل و پیام «جان پدر کجاستی» سروده شده است می‌شماریم، به عدد افزون بر ۲۰۰ می‌رسیم که بیش از نیمی از این شعرها را شاعران ایران سروده‌اند.

به راستی در این ۳۰ سال چه رخ داده که اینچنین به دل بستگی‌ها افزوده شده است، با اینکه مهاجرت برای جامعه میزبان و مهاجر سختی‌های خود را نیز داشته است. من هر چه می‌اندیشم، در نهایت به این می‌رسم که آگاهی و شناخت بیشتر است، پنجره‌ها باز شده و آدم‌ها بهتر همدیگر را می‌بینند و از وضعیت هم باخبرند و چه دل‌پذیرتر از اینکه پنجره‌ها بین دو ملتی باز شود که سابقه‌های دیرین در مشترک کالت گوناگون داشته‌اند. زبان مشترک، دین مشترک، فرهنگ و رسوم مشترک که تاریخ مشترک و مفاخر مشترک، گذشته از اینکه انسان‌ها در هر حال با هم اشتراک‌های عاطفی دارند، حتی اگر این اشتراکات دیگر هم نباشد. حالا که این پیوندها بسیار است، طبیعی است که واکنش‌های احساسی و عاطفی هم نیرومندتر و بیشتر خواهد بود.

در این میان البته نقش ادبیات بسیار پررنگ بود. ما تنها مخاطبان بی‌واسطه آثار ادبی همدیگر و تنها خوانندگان آثار مکتوب همدیگر، بدون هیچ نیازی به ترجمه و یا حتی تغییر رسم‌الخط هستیم. از این روی ادبیات افغانستان و ایران در این سال‌ها بسیار به هم پیوند خورد و در این میان شعر جایگاه ویژه خود را داشت. از همین رو نخستین تأثیرهای عاطفی روی جامعه ایران، بر اثر شعرهای شاعران مهاجر خطاب به مردم ایران آشکار شد و اکنون ما شاهد بازتاب وقایع افغانستان در شعر ایران، آن هم با این حجم گسترده هستیم. واقعه دانشگاه کابل تنها واقعه دردناک افغانستان در این سال‌ها نبود. چند سال پیش تظاهرات دانش‌جویان معترض با عنوان «جنبش روشنایی» یا انفجار بمبی به خاک و خون کشیده شد و صدها دانشجو را از میان برداشت. در همین اواخر چند واقعه دیگر نیز رخ داد، از جمله حمله تروریستی به بیمارستان زنان و نیز مؤسسه آموزشی کوثر دانش، ولی چه شد که واقعه دانشگاه چنین برجسته شد؟ در اینجا نباید نقش یک رویداد تأثرانگیز و برجسته شدن آن را نادیده گرفت. پدری که ۱۴۲ بار به فرزندش زنگ می‌زند و دست آخر پیام می‌دهد که «جان پدر کجاستی؟» و این پیام پس از شهادت آن دانشجو، به وسیله دیگران خوانده می‌شود.

این پیام به یک نماد بدل شد، نمادی که حامل عاطفه و ویژگی‌های زبانی افغانستان و مختصر و کوتاه بود و چنین بود که فضای رسانه‌ای را درنوردید و دل‌های جامعه انسانی به خصوص فارسی‌زبانان را تکان داد. این پیام خودش یک بی‌صراع شعر بود و طبیعتاً خیلی‌ها از جمله خودم را، در همان لحظات اول شنیدنش ترغیب کرد که آن را با سرایش شعری ادامه دهند و چنین بود که بسیار شعرها سروده شد که اکنون تعدادشان به صدها سیده است.

گزیده‌ای از این شعرها قرار است به صورت کتابی منتشر شود. چند کالون ادبی مهاجر در تدوین کتاب سهم گرفته‌اند و چند ناشر ایرانی برای انتشار آن اعلام آمادگی کرده‌اند. کتاب «جان پدر کجاستی؟» اگر منتشر شود، نخستین کتاب شعری است که حاوی شعرهای شاعران هر دو کشور برای یک واقعه تأثیربار در افغانستان را در خود دارد و از این جهت اثری بی‌سابقه خواهد بود. این را می‌توان یک نقطه عطف در مناسبات شعری دو کشور و نقطه‌ای روشن و خوشایند دانست. باید به همه این شاعران گفت: جان برادر، سپس.

## خبر

برنامه‌های دوره بیست‌وهشتم هفته کتاب تشریح شد

### کتاب‌فروشی‌ها را به خانه مردم می‌بریم



نشست خبری بیست و هشتمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. در این مراسم دبیر هفته کتاب گفت: این دوره را با چند رویکرد از جمله اشتراک‌سازی برنامه‌ها آغاز می‌کنیم. رویکرد دیگر ظرفیت‌سازی و ظرفیت‌سنجی برنامه‌های بودی که به دبیرخانه ارسال شد و کمیته محتوایی مستقل در این زمینه فعالیت می‌کرد. همچنین سومین رویکرد گفتمان‌سازی است و قصد داریم به سمت و سویی برویم که موج و ظرفیت تازه‌ای در جامعه ایجاد کند و ظرفیت‌های مغفول را بالفعل کنیم. هدف‌تاکار در ادامه با اشاره به اینکه هفته کتاب در حال خروج از «ولتی بودن» است، گفت: البته مواردی هم داریم که مراکز مستقل به صورت خودجوش برنامه‌هایی را برای هفته کتاب تدارک دیده و تعریف کردند که این مسئله می‌تواند به انس بیشتر مردم با کتاب کمک کند و در همین راستا بنا داریم تغییراتی در شیوه اجرای برنامه‌های هفته کتاب داشته باشیم.

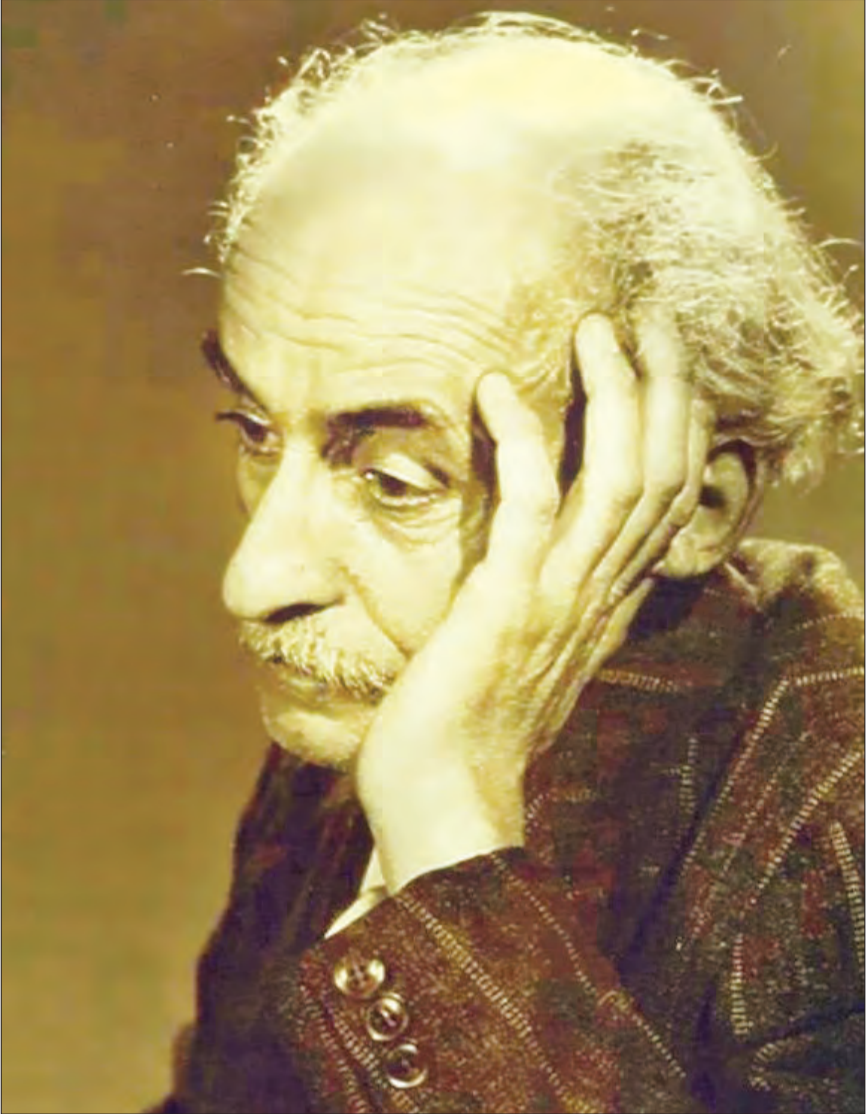
### میزان سرانه مطالعه ۱۴دقیقه در کشور است

دبیر هفته کتاب درباره شیوه برپایی برنامه‌ها گفت: اکثر برنامه‌ها به صورت مجازی یا حضوری و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و حداقل نیروها انجام می‌شود. گسترده‌ترین برنامه ما طرح پاییزه کتاب بود که افزون بر ۱۰۵ کتاب‌فروشی جدید به ما در این طرح ملحق شدند و تا دیروز ۸۲۰ کتاب‌فروشی در طرح پاییزه ما شرکت کردند. همچنین قرار است فرایند تسویه‌حساب با کتاب‌فروشی‌ها در طرح پاییزه کتاب در کوتاه‌ترین زمان ممکن ایجاد شود.

وی در ادامه یادآور شد: همچنین بناسط به کتابخانه‌های علامه‌مطباطبایی و سیستماتی کتاب اهدا کنیم و ۳۲ نشست با سخنرانی بیش از ۹۰ سخنران خواهیم داشت. تجلیل از نویسندگان و افتتاح مرکز اسناد مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران، از دیگر برنامه‌های ما خواهد بود. علاوه بر این، با توجه به حفظ بعد استفاده می‌شود. طبق آخرین آمار وزیر فرهنگ و ارشاد، میزان سرانه مطالعه ۱۲دقیقه در کشور است. اگر هدف افزایش آگاهی جامعه باشد، می‌توان راه‌های دیگری برای آن پیدا کرد و قرار است به جای کتابگردی، کتاب‌فروشی‌ها را به خانه مردم ببریم. برای این مسئله همکاری میان مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران، معاون فناوری وزارت ارتباطات و معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، انجام می‌شود و قرار است آدرس کتاب‌فروشی‌ها در مسیرپیاده‌های داخلی اطلاع‌رسانی شود.

مصطفی علی‌پور در سالروز تولد پدر شعر نوفارسی مطرح کرد

# «نیما» و مسیری که برای شاعران پس از خود هموار کرد



### هواي تازه

در روز تولد نیما یوشیج دو شعر این شاعر را که میان مردم شناخته شده است و بسیاری از دوستداران نیما آن را زمزمه می‌کنند، با هم می‌خوانیم.

### خانه ام ابری ست...

خانه ام ابری ست

یکسره روی زمین ابری ست با آن.

از فراز گردنه خرد و خراب و مست

بادمیپیچد.

یکسره دنیا خراب از اوست

و حواس من!

آی نی زن که تو

را آوای نی برده ست دور از ره کجایی؟

خانه ام ابری ست اما

ابر بارانش گرفته ست.

در خیال روزهای روشنم کز دست رفتندم،

من به روی آفتابم

وی ادامه می‌دهد: تمام تلاش نیما تولید زبان شعر بوده است. به طور مثال ببینید که قدرت «ظلمی» در نحو و واژه‌سازی چقدر زبان شعر است که در واقع از فردیت خلاق شاعر می‌آید و شگفت‌انگیز است. او که برای بیان روایت‌هایش واژه کم نداشت، اما دست به واژه‌سازی می‌زند و ببینید که نیما چقدر تحت‌تأثیر اوست یا حتی از نظر ساختاری چقدر متأثر از «مولانا» است.

### زبان شعر از فردیت خلاق شاعر می‌آید

به گفته این پژوهشگر، شاعران امروز ما که محور پرسش شما

### برشني از کتاب

نظرات شفيعی کدکني درباره نیما یوشیج در کتاب «با چراغ و آینه»

## پیکره رود بلند



است که در شعر فارسی به خصوص در قرن‌های اخیر به کلی فراموش شده بود.

گرایش به رنگ محلی شعر در سروده‌های نیما سبب شده دایره لغت و زبان شعری او گسترش خاصی پیدا کند و بسیاری از واژه‌های محلی مازندران در شعر او به زبان ادب و شعر نزدیک شود و تا حدی اگرچه برای سرایندگان همان مرز و بوم، رواج گیرد، این کار او نیز در جای خود ستوده و ارجمند و نوآینب است . طبیعت شمال، پرندگان ، حیوانات خاص و خانه‌ها همه در شعر او زندگی می‌کنند و این تخصص مفاهیم هرگز شعر او را از کلیت و گستردگی- در اطلاق بر ذهنیات هر کسی در هر روزگاری- بازمی‌دارد. برخلاف آنچه در آغاز، اهل ادب می‌پنداشتند- و شاید هم امروز دست‌های از جوانان و پیران را چنان عقیده‌ای باشد- تکنیک و فن در شعر او از عناصر اولیه و بسیار مهم به شمار می‌روند . در شعر او تمام ارکان فرمی شعر کلاسیک فارسی با وسعت و گسترش قابل حیات و انعطاف‌پذیری، ادامه یافته و قابل مطالعه است. وزن و قافیه، دو شعر قدیم فارسی، با وسعت و گسترش قابل حیات و انعطاف‌پذیری، ادامه یافته و قابل مطالعه است. وزن و قافیه، دو عنصر اصلی قالب شعر قدیم فارسی، در شعر نیما

با وسعت روینده و سازنده‌ای هنوز به زندگی ادامه می‌دهند. درباره این عناصر اینجا مجال بحث و گفت‌وگو نیست و تنها اشاراتی لازم می‌نمود که برای خواننده عادی این گوشه از مشکل او حل شود یا راهی به حل شدن پیدا کند.

نیما می‌گوید: واقعیت این است که نیما شعر دیرفهم و دیرپایی دارد، مانند بسیاری از شاعران بزرگ ما که اشعارشان به راحتی فهم نمی‌شود. نیما برای تولید زبان شعر تمعد داشته است. شما قطعاً تا ما را نیمایی‌های او مقایسه کنید. قطعاًش به مراتب ساده‌تر است و روایت‌های کوتاهی که نیما دارد در سادگی شگفت‌انگیز است. مانند داستان «عبدالله طاهر و کنیزک» که دقیقاً بازآفرینی نوروزنامه خیام و در سادگی مثال‌زدنی است، اما وقتی وارد حوزه شعر نیمایی می‌شود، نیما دیگر آنجا در جست‌وجوی زبان خودش است که کار بسیار دشواری است.

### نیما و جست‌وجوی زبانی غیر قابل تقلید

وی می‌گوید: اگر می‌بینید که زبان شاعران پس از او ساده‌تر و روان‌تر است، به این دلیل بوده که این مسیر را نیما هموار کرده است. من معتقدم اگر جای نیما و یکی از شاگردانش عوض می‌شد با استعداد و خلاقیتی که از او سراغ داریم، قطعاً از همه این‌ها موفق‌تر بود. نباید این را فراموش کرد که نیما در جست‌وجوی زبانی بود که غیرقابل تقلید باشد و هر کس هم که از او تقلید می‌کند، تحت‌تأثیر اوست. «هرگ رنگ» سپهری تحت‌تأثیر نیماست، یا به گفته شاملو او تحت‌تأثیر زبان نیماست. اخوان هم همین‌طور و هر کسی که تلاش می‌کند مانند نیما بنویسد به دلیل عنصر استقلال و فردیتی که نیما دارد، زیر سایه او قرار می‌گیرد. در حالی که شبیه شاملو و اخوان نوشتن بسیار باب شده است، اما کمتر شاعری داریم که شبیه نیما بنویسد، زیرا شبیه او نوشتن کار بسیار دشواری است و فردیت نیما ۱۰۰ درصدی است.

علی‌پور در بخش دیگری از توضیحاتش با اشاره به اینکه نیما در تولید ابهام، تمعد دارد، می‌گوید: منظور از ابهام امور پیچیده و سطحی زبان نیست که چند لغت سخت و نشانه‌های ریاضی و موسیقی را به خواننده عادی تحمیل کند بلکه ابهام در ذات شعر نیماست، یعنی ظرفیت حداکثری به شعرش می‌دهد و به قول دکتر شفيعی کدکني با ابهامی که در ذات شعر ایجاد می‌کند شبکه‌های غایب معنا تولید می‌کند و به نظر من به عدد و شمار مخاطبان نیما می‌توانیم از شعرش تأویل بدست بیاوریم و همین است که شعر او را ماندگار می‌کند. اما امروز شعر گفتن از تولید به مصرف شده است و شاعر همان مفهومی که مد نظر خودش است را به خواننده انتقال می‌دهد . در حالی که حتی برخی از اشعار نیما شبیه غزلیات حافظ است و هر بار خواننده از آن یک دریافت تازه‌ای می‌کند.

### متر و معیار توانایی شاعران سرودن شعر نیمایی است

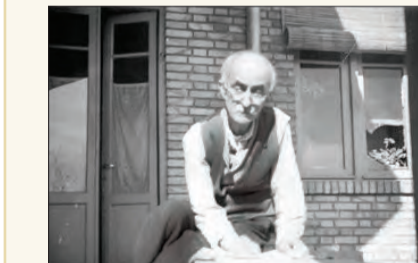
وی در پاسخ به این پرسش که شعر امروز تا چه حد تحت تأثیر شعر نیماست، با لبخندی می‌گوید: خیلی نیست! اما من بارها گفته‌ام متر و معیار توانایی شاعران، سرودن شعر نیمایی است. شاعری که نمی‌تواند شعر نیمایی بنویسد به گمان من اصلاً نمی‌تواند شعر بنویسد که برخی به دلیل این دیدگاه به من حمله کردند. متأسفانه وضعیت نامیدکننده است و بین شاعران پیرو نیما نمی‌توانید دو شعر پیدا کنید که شبیه او باشند. من نگران نیستم که چرا تعداد شاعران نیمایی ما کم است، زیرا ورود به این حیطه کار دشواری است. جایی از اخوان مطلبی خواندم که اواخر عمرش در پاسخ به اینکه چرا شعر نیمایی نمی‌نویسد گفته است، نیمایی نوشتن ذهن جوان و خلاق می‌خواهد. اتفاقاً بسیاری از شاگردان نسل دوم به بعد هم دیگر نیمایی نمی‌نویسند و برایشان کار دشواری است، اما پیروان نیما همچون زنده‌یاد قیصر امین‌پور یا سیدحسن حسینی که این‌گونه می‌نوشتند، اتفاقاً اشعار خوبی دارند و کارنامه مستقلی برای خودشان درست کرده‌اند.

علی‌پور در پایان می‌گوید: شاعران امروز کمتر پیرو شعر نیما هستند و حتی بسیاری از آن‌ها نظراتی نیما را هم نتخوانده‌اند که اگر بخوانند ناواری هم داشته باشند باید با چه سبک و سیاقی باشد. اما به تازگی نهضتی میان شاعران جوان شروع شده که شعر نیمایی را جزو تجربیاتشان قرار می‌دهند که این امیدوارکننده است. در مجموع جای نگرانی نیست، به دلیل اینکه نوشتن شعر نیمایی دشوار است که بتوان همه ظرفیت‌های شعر را در آن رعایت کرد؛ بنابراین طبیعی است که به آن سمت نمی‌روند.



پیشنهاد ساخت یک سریال جذاب

## زندگی نیما یوشیج!



**آرش شفاعةي، شاعر و روزنامه‌نگار:** سریال تلویزیونی زندگی استاد شهیریار که چند سسال پیش به کارگردانی کمال تبریزی ساخته شد، نشان داد می‌توان زندگی شاعران معاصر را هم به فیلم و سریال و آثار نمایشی تبدیل کرد و این آثار دیدنی هم باشند.

در این یادداشت می‌خواهم سه دلیل بیاورم که سریال

ساختن یا تولید فیلم از زندگی نیما یوشیج، پدر شعر نو فارسی نیز موجب تولید یک اثر دیدنی و جذاب خواهد شد، اگر به دست یک فیلمساز کاربلد انجام شود.

**نخست:** نیما شخصیتی است که قابلیت تولید فیلم و سریال از زندگی او با توجه به معارهای ممیزی و تولید در ایران را دارد. نیما نه از قماش روشنفکرانی است که با همه مظاهر زندگی ایرانی و اسلامی سر دشمنی داشته باشد و نه شخصیتی است که دچار خودم فکری شده و از زمانه خود عقب افتاده باشد. او از مدود روشنفکرانی است که در آن دوران همچنان عقله‌های مذهبی خود را داشته است و این مسئله از سروده‌های او برای مولای متقیان (ع) و نیز دفاع جانانه‌اش از دین و مذهب در برابر کمونیسم- که در یادداشت‌هایش قابل اثبات است- به همین دلیل احتمالاً یکی از کم‌درست‌ترین شاعران معاصر برای ساخت آثار نمایشی بدون متهم شدن به تبلیغ برای یک چهره ضدانرزشی است و می‌توان با به تصویر کشیدن زندگی او نشان داد می‌توان مدرن بود و مظاهر زندگی جدید را فهمید، اما لزوماً ضددین، ضدسنن و ضدملت خود نبود.

**دوم:** زندگی نیما خود قابلیت‌های دراماتیک زیادی دارد. او به لحاظ شخصیتی مجموعه‌ای از خصایص مثبت و منفی دارد که در ایجاد یک شخصیت جذاب داستانی مؤثر است. ترس‌های اغراق شده و توهمات او در کنار سختکوشی، ایمان به سرانجام کارش، لجاجت و پیگیری مثال‌زدنی و در عین حال روحیه گریزانش از شهر و غوغاهای پایتخت و دل‌بستگی‌اش به کوهستان و روستایش، همه او را یک شخصیت جذاب برای یک درام پرکشش کرده است. بحران‌های زندگی او، هجوم